



جامعه شناسی تبیینی



در یک روز آفتابی ، آیدا و نوید دو دوست صمیمی در کافه ای نشسته بودند و درباره آینده و علم صحبت می کردند.

آیدا با اشتیاق گفت:

نوید، چرا ما درباره جامعه مان بیشتر یاد نگیریم؟

من شنیدم که جامعه شناسی رویکردهای مختلفی دارد.

نوید با نگاهی کنجکاو پاسخ داد:

بله ، درست می گویی! جامعه شناسی **تبیینی**، **تفسیری** و **انتقادی**

سه رویکرد **اصلی** هستند که هر کدام به نوعی به بررسی جامعه

و رفتارهای انسانی می پردازند.



نوید ادامه داد: تبیین به ما کمک می‌کند تا **چرایی** یک پدیده را بفهمیم.

مثلاً چرا یک پدیده اجتماعی از بین می‌رود؟

در این رویکرد، پدیده‌هایی که قبلاً مستقل به نظر می‌رسیدند، در **ارتباط** با یکدیگر قرار می‌گیرند و روابط جدیدی بین آن‌ها شکل می‌گیرد.



آیدا با اشتیاق گفت:

پس این رویکرد همان جامعه‌شناسی **پوزیتیویستی** است که به **وحدت روش علوم** تأکید دارد.
یعنی در همه دانش‌های علمی، روش مطالعه **یکسان** است و آن هم روش **تجربی** است.

1- به ترتیب رویکرد «تبیینی» نسبت به پدیده های اجتماعی و «تفسیری» نسبت به واکنش های انسانی چگونه است؟ (سراسری ۱۳۹۹)

(۱) تبیین معنا و محتوای آنها با روش حسی و تجربی صورت می پذیرد - تنوع و تکرار اهداف کنشگران به مطالعه کمی نیاز دارد.

(۳) میان پدیده هایی که قبلاً در ارتباط با هم دیده می شده اند روابط جدیدی مطرح میشود - فهم دلالت های کنش مستلزم دسترسی معنای ذهنی آنها است.

(۳) به بیان چرایی یک پدیده یا نشان دادن علت ایجاد یا زوال آن می پردازد - تنوع و تکرار معانی موجب پیچیدگی کنش ها و دشواری فهم معانی آنها می شود.

(۴) پدیده ها را مستقل از یکدیگر و بدون توجه به معنای آنها مورد مطالعه قرار میدهد - برای فهم دلالت کنش، باید به زمینه فرهنگی که کنشگر در آن عمل میکند مراجعه کنیم.

2- در ارتباط با یک پدیده اجتماعی مانند طلاق به ترتیب هر یک از رویکردهای سه گانه جامعه شناسی تبیینی، تفسیری و انتقادی چگونه به مطالعه این پدیده می پردازند؟ (سراسری ۱۳۹۸)

(۱) مطالعه طلاق به روش تجربی و یافتن راه حلهایی برای کنترل آن - فهم و تفسیر پدیده طلاق با توجه به فرهنگ جهان شمول - مطالعه پدیده طلاق به منظور دآوری ارزشی و هنجاری در مورد آن بدون استفاده از روش تجربی

(۲) بررسی علت رواج طلاق در جامعه و یافتن راههایی برای کنترل آن - ورود به جمع کسانی که طلاق گرفته اند و ارزیابی این پدیده با ملاک های ارزشی خوب باید توصیف و تبیین این پدیده در جامعه و تقبیح رواج آن

(۳) مطالعه پدیده طلاق به منظور پیش بینی روند و چگونگی کنترل آن در جامعه - ورود به جمع کسانی که طلاق گرفته اند و تلاش در جهت فهم عقاید و رفتارهای آنها فهم این پدیده و دآوری درباره ارزش ها و هنجارهای آن

(۴) نشان دادن علت ایجاد آن و چگونگی افزایش طلاق در جامعه - مطالعه طلاق با روش تجربی و نقد وضعیت موجود جامعه - توصیف و فهم پدیده طلاق به عنوان یک کنش اجتماعی و ارائه راهکار برای کاهش آن



نوید ادامه داد:

در جامعه‌شناسی تبیینی، ما از روش‌های **تجربی** استفاده می‌کنیم تا بتوانیم پدیده‌ها را به درستی تحلیل کنیم.

این به این معناست که تنها تبیین‌هایی که با **حس** و **تجربه** قابل مشاهده هستند، به رسمیت شناخته می‌شوند.

بنابراین، ما باید به دنبال روابط **علت و معلولی** میان پدیده‌ها باشیم.

آیدا با تأمل گفت: اگر ما فقط به تبیین‌های تجربی بسند کنیم، ممکن است بسیاری از جنبه‌های انسانی و اجتماعی را **نادیده** بگیریم."





در این حین، سارا، دوست دیگرشان که به مطالعه روانشناسی علاقه داشت، به آنها پیوست.
سارا گفت:

آیا این رویکرد می‌تواند اراده و خلاقیت انسان‌ها را نادیده بگیرد؟
آیدا پاسخ داد:

بله، این نکته مهمی است زیرا؛ جامعه‌شناسی تبیینی بیشتر بر **نظم و ساختارهای اجتماعی** تأکید دارد و ممکن است **معنای** کنش اجتماعی را نادیده بگیرد.



3- در ارتباط با جامعه شناسی تبیینی کدام گزینه نادرست است؟ (گزینه دو ۳۰۴)

- (۱) نادیده گرفتن معنای کنش سبب شده است که بیشتر مطالعات تبیینی به توصیف خصوصیات و رفتارهای قابل مشاهده ما محدود شوند.
- (۲) تأکید افراطی بر نظم اجتماعی به تدریج سبب میشود که افراد بدانند این نظم برای تحقق اهداف و ارزشهایی مانند کسب فضیلت های اخلاقی است.
- (۳) جامعه شناسی تبیینی با یکسان دانستن نظم اجتماعی و نظم طبیعی اراده و خلاقیت انسانها را نادیده می گیرد و موجب سرکوب روحیه خلاق انسانها در بسیاری عرصه ها میشود.
- (۴) رویکرد تبیینی بر آن چه مشاهده میشود تمرکز میکند و اغلب معنای کنش را نادیده میگیرد.



در واقع، **اگوست کنت**، بنیان گذار جامعه شناسی، به دنبال نزدیک کردن این علم به علوم طبیعی بود.

او نام «**فیزیک اجتماعی**» را برای این رشته انتخاب کرد تا نشان دهد که جامعه‌شناسی هم می‌تواند به مانند علوم طبیعی مطالعه شود.

"این یعنی دررویکرد تبیینی؛ ما پدیده های اجتماعی را **مانند** پدیده‌های طبیعی در نظر می‌گیریم و روش مطالعه آنها نیز **یکسان** است.

همانطور که علوم طبیعی با شناخت نظم موجود در طبیعت، امکان **پیش‌بینی** و **کنترل طبیعت** را فراهم می‌کند، جامعه‌شناسی نیز با شناخت نظم اجتماعی، به ما قدرت **پیش‌بینی** و **کنترل جامعه** را می‌دهد."

(هدف جامعه‌شناسی نیز **همانند** هدف علوم طبیعی است.)



4- به ترتیب جامعه‌شناسی انتقادی و تبیینی چگونه جامعه را مورد مطالعه قرار می‌دهند؟ (سراسری ۱۳۹۹)

(۱) به توصیف و تبیین پدیده‌های اجتماعی بسنده نمیکند بلکه به داوری ارزشی پدیده‌های مورد مطالعه می‌پردازد - با شناخت نظم اجتماعی به انسانها قدرت پیش‌بینی پیشگیری و کنترل جامعه را می‌دهد.

(۲) برای عبور از وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب راه‌حلهایی ارائه می‌کند - برای مطالعه زندگی اجتماعی باید از ظاهر پدیده‌های اجتماعی عبور کرد.

(۳) آنچه جامعه‌شناسان می‌گویند باید با روش تجربی اثبات شود و گر نه ارزش علمی ندارد - به توصیف آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی می‌پردازد.

(۴) پدیده‌های اجتماعی مانند پدیده‌های طبیعی دانسته میشود پس روش مطالعه آن آنها یکسان است - درباره ارزشها و هنجارها داوری نمی‌کند.



سارا گفت: آیا این رویکرد می‌تواند به قضاوت‌های نادرست منجر شود؟

- **لمبروزو** با استفاده از مشاهده ویژگی‌های **جسمانی** و **ظاهری** می‌خواست مجرم بودن یا نبودن را تشخیص دهد.
- ایدا پاسخ داد: ما باید مراقب باشیم که از این نوع قضاوت‌ها دوری کنیم و به معنای عمیق تری از کنش‌های انسانی توجه کنیم.



جامعه‌شناسی تبیینی جامعه و نظم اجتماعی را براساس **مناسبات بیرونی** توضیح می‌دهد.

این روابط و مناسبات مبتنی بر **قرارداد، ترس و اجبار** هستند.

افراد جامعه براساس نوعی قرارداد، قواعد و مقرراتی را می‌پذیرند که **نفع** آن‌ها را تأمین می‌کند



آیدا با تأکید گفت: "اگر ما جامعه را همچون طبیعت تصور کنیم، در واقع آن را به یک **واقعیت بیرونی** تقلیل می‌دهیم.

این به این معناست که ما تنها می‌توانیم از دانش‌های **ابزاری** خود استفاده کنیم و قادر نخواهیم بود تغییرات **بنیادینی** در جامعه به وجود آوریم.
نوید گفت: دقیقاً!

این رویکرد انسان‌ها را به **پیچ** و **مهره‌های** نظم اجتماعی تقلیل می‌دهد و این در حالی است که جامعه محصول و مخلوق **کنش‌های انسانی** است."



=



از دیدگاه جامعه‌شناسی تبیینی، تفاوت میان جوامع تنها تفاوتی **کمی** است و برخی جوامع از برخی دیگر **پیچیده‌ترند**.
" این نکته مهمی است؛ اگر ما فقط به تفاوت‌های کمی توجه کنیم، ممکن است از درک **عمیق‌تر** جوامع غافل شویم."



5- کدام گزینه در ارتباط با پیامدهای یکسان انگاری طبیعت و جامعه نادرست است؟ (کانون ۱۴۰۰)

(۱) نظم اجتماعی بیرون و مستقل از انسان خواهد بود و انسان فقط باید خود را با آن تطبیق دهد و سازگار کند.

(۲) جامعه همچون طبیعت تصور می شود که با قوانینی به استحکام طبیعت اداره می شود و می توان تغییراتی بنیادین در آن ایجاد کرد.

(۳) برای شناسایی جامعه و پدیده های اجتماعی میتوان از دانش های ابزاری استفاده کرد و انسانها به پیچ و مهره های نظم اجتماعی تقلیل پیدا می کنند.

(۴) جامعه صرفاً یک پدیده طبیعی پیچیده است و تفاوت میان جوامع تنها تفاوتی کمی است.

6- کدام گزینه پیامد یکسان انگاری طبیعت و جامعه از سوی جامعه شناسی تبیینی به ترتیب بر «جامعه» و «انسان» را به درستی نشان می دهد؟ (کانون ۱۳۹۹)

(۱) با قوانینی به استحکام قوانین طبیعت اداره می شود - نظم اجتماعی ساخته انسان خواهد بود.

(۲) انسان میتواند تنها از دانش های ابزاری خود استفاده کند - انسان خالق پیچ و مهره های نظم اجتماعی است.

(۳) جامعه همچون طبیعت تصور می شود و دستاوردی انسانی دانسته نمی شود - انسان ها را به پیچ و مهره های نظم اجتماعی تقلیل می دهد.

(۴) محصول و مخلوق کنشهای انسان هاست - با قوانینی به استحکام قوانین طبیعت اداره می شود.